



مفهوم دعا و نیایش در ادبیات حماسی

پرویز شیبانی^{۱*}

صدیقه کریمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

چکیده

دعا و ارتباط با خدا، مسئله‌ای بسیار مهم در متون حماسی است که از زبان شاعر یا شخصیت‌های داستان جاری می‌شود. در جنگ‌های حماسی ارتباط و گفتگوی خالصانه با خداوند از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر درونی پهلوانی بوده و از طرف آنان به نحو اکمل و احسن انجام شده است. در این آثار به وسیله دعا در نتیجه به واسطه دعا و نیایش بسیاری از مسائل سخت و پیچیده که لاینحل به نظر می‌رسد، به آسانی حل شده است. با وجود این که دعا و نیایش رکن اصلی حماسه و بخش عظیمی از آن را در بر گرفته است، تاکنون تحقیق مبسوطی در این باره انجام نشده است. بنابراین، در پژوهش حاضر پس از بیان مفهوم آن نظر ویژه و آموزه‌های دینی، در اوستا، شاهنامه و منظومه‌های حماسی مهم دینی بررسی کرده‌ایم. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. پژوهش نشان می‌دهد که دعا از پیش از اسلام وجود داشته و پس از اسلام در متون حماسی در مفهوم‌های متفاوتی چون سرآغاز سخن، سپاس‌گزاری، یاری طلبیدن، ابراز گناه و توبه، سلام و خداحافظی شخص و همچنین، در قالب دعا‌های مشهور دینی آمده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات حماسی، اوستا، دعا و نیایش، حمله حیدری، خداوندنامه، شاهنامه.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان شیراز (نویسنده مسئول) payam1_222@yahoo.com

۲ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

۱. مقدمه

دعا و نیایش یک مصداق درونی است که دین‌دار و بی‌دین هر دو به آن معتقدند و به آن تکیه می‌کنند. در فرهنگ انسان‌ساز اسلامی، مفاهیمی ارزشمند وجود دارد که نیازی به استدلال و پرسش ندارد و تنها با دلالت‌های ذهنی دریافت می‌شوند. دعا یکی از این مجموعه مفاهیم ارزشمند است، بشر آن‌گاه که از تلاش بی‌حاصل خویش در برهوت دنیای مادی و ناکامی‌های جانکاه و در حسرت خودساخته و آه و افسوس‌های بی‌پایان، دچار سرشکستگی می‌گردد و همه روزنه‌های امید را به روی خود بسته می‌بیند. آن‌گاه که در پی شکست‌ها و نرسیدن به خواسته‌ها، دلش به نور امیدی بند می‌شود و... ناگهان دستی قدرتمند از اعماق وجود آدمی سر برآورده، او را متوجه قدرتی می‌سازد که همه چیز از آن اوست و توان انجام هر کاری فقط از وی ساخته است. آری این دست دعا است که در بحرانی‌ترین لحظه‌ها، ارتباط انسان را با خدای خویش برقرار ساخته، جریان دوباره حیات و امید را در رگ‌های وی جاری می‌سازد. دعا ترجمان و زبان گویای این ارتباط است (امیدی فرد، ۱۳۸۷: ۱۷). در بیانی دیگر «دعا نیاز روحی است و وسیله تقویت اراده انسانی و اتصال روح به روح اکمل خداوندی است. دعا بزرگ‌ترین و بافضیلت‌ترین امری است که روح انسان را متعالی کرده و باعث تربیت انسان و حرکت او به سوی حق تعالی می‌گردد. دعا در آدمی امید و تسلیمی به وجود می‌آورد و دل آدمی را برای پذیرفتن آن‌چه که خدا بخواهد آماده می‌کند و به روی ما، در چارچوب زندگی محدود دریچه‌ای به سوی جهان معنوی گشوده می‌شود» (نوربها، ۱۳۷۲: ۱۴۱). دعا مایه آرامش دل‌ها است و خود دعا نیز آرامش است که در روح و مغز آدمی نوعی گشایش ایجاد می‌کند و روح را از حالت ناامیدی و کسالت بیرون می‌آورد و به قدرت حرکت و اراده می‌دهد و گاهی روحیه دل‌آوری و قهرمانی به دعاکننده می‌بخشد، دعا به انسان متانت در رفتار انبساط و شادی درونی، استعداد پیروزی و استحکام در استقبال از حوادث می‌دهد و بدان وسیله آدمی توجه زیادی به ذات خداوند متعال پیدا می‌کند و مانند سایر عبادات اثر تربیتی دارد (امیدی فرد، ۱۳۸: ۱۸). این مفهوم در ادبیات فارسی از جمله متون حماسی جلوه ویژه یافته است.

دعا و نیایش پیشینه‌ای هم‌زاد آفرینش آدمی دارد، بسامد بالای این مفهوم درونی، نشان از اهمیت و باور عمیق به آن است. به همین سبب از قدیمی‌ترین آثار تا زمان ما روح و روش مناجات و دعا با وجود تغییر در اوضاع اجتماعی باقی مانده است. در تورات، انجیل، اوستا، مزامیر داود و قرآن کریم مناجات فراوان یافته می‌شود. «در تقسیم‌بندی موضوعات ادبی در کتاب‌های انواع ادبی، اشاره‌ای به موضوع مناجات شده است. معادل مناجات در ادب فرنگی «Hymm» است. هیم در اصل سرودهایی در مدح و ستایش در باب انواع خدایان بود و در مراسم مذهبی خوانده می‌شد. هیم را از کهن‌ترین صور شعری دانسته‌اند» (شمسیا، سیروس، ۱۳۷۳: ص ۲۳۸).



دعا و نیایش از آن جایی که از احساس و عواطف برخاسته‌اند، گنجینه ثابت و با ارزشی است که در تاریخ هزارساله ادبیات فارسی وجود داشته است. حتی اقوام پیش از اسلام هم در متون ادبی خود بدان وجه داشته‌اند و احساس نیازمندی به موجودی عظیم و بزرگ را در قالب آن به کار برده‌اند. اوستا نخستین متون حماسی است که تجلی‌گاه آیین نیایش و دعا در میان اقوام دوره باستان است. پهلوانان و قهرمانان آرزوها و درخواست‌های خود را از اهورامزدا و مظاهر مقدس طبیعت می‌طلبیدند و دعای انسان‌ها و قهرمان‌های نیک برآورده می‌شد.

«حماسه» واژه‌ای عربی است که به معنای دلاوری، شجاعت، سختی در کار آمده. این واژه از ریشه «حمس» گرفته شده و به معنی شدت و حدت به کار رفته است و در ادب قدیم عرب، به نوعی اشعار رزمی می‌گفتند که در شرح افتخارات قبایل عرب سروده می‌شد. ولی در زبان فارسی، حماسه همه انواع داستان‌های رزمی و پهلوانی را شامل می‌شود و به معنایی کاربرد دارد که در زبان فرنگی «Epos» گفته می‌شود. واژه «Epos» به معنی داستان و منظومه رزمی و یکی از انواع بزرگ ادبیات روایی یا نقلی «Epic» است. حماسه اصطلاحی است برای نوع ادبی در ادب فارسی که اساطیر، پهلوانی‌ها، دلاوری‌ها، مبارزه‌ها، آمال، افتخارهای یک ملت را تشکیل می‌دهد. در بیان دیگر نوعی از شعر وصفی که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد. به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد (صفا، ۱۳۶۹: ۳).

دعا و نیایش بخش عظیمی از منظومه‌های حماسی را در بر می‌گیرد که به سبب لطافت و زیبایی آنها می‌توان در نوع ادبیات غنایی بررسی نمود. دعا و نیایش در میان ابیات خوشونت‌آمیز حماسی نقطه تفرجگاهی است که هم شاعر و هم پهلوانان به لطافت روح می‌پرداختند. در متون حماسی پهلوانان با وجود قدرت خارق‌العاده در مقابل پروردگار ناتوانی بیش نیستند و پیوسته به درگاه خدا روی می‌آورند و از او یاری می‌جویند.

آیین نیایش پس از اسلام در شاهنامه فردوسی با ظرافت و زبان دلکشی بیان شده است. «پهلوانان و پادشاهان، شاهنامه کلام خود را با ستایش و نیایش آغاز می‌کنند، آنها علاوه بر توانایی جسمی دارای روحی بلند و سرشار از معنویت‌اند و نه تنها در لحظات حساس که در همه موارد دست به دامن لایزال مطلق زده، عاشقانه و خاضعانه سر برآستانش می‌نهند و کسی جز ذات ذوالجلال را، سزاوار پرستش و تکریم ندانسته، از یاد او غافل نمی‌مانند؛ گاه ساده‌ترین مطلوبشان نیاز به درد دل با پروردگار است، دعا و مناجات پهلوانان در صحنه‌های نبرد از زیباترین نمونه‌های دعا و مناجات شاهنامه، است که هنگام تنگنا، در خلوت، دور از چشم اغیار پس از تطهیر، پیشانی بر آستان باری تعالی سائیده، با تضرع، خواهان بازگشایی گره از مشکلات خود می‌گردند» (اردلانی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).



شاهنامه حکیم فردوسی علاوه بر سرگذشت ایران عهد باستان در سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی دربردارنده مفاهیم بسیار ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون حکمی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، دینی و .. می‌باشد. این دایره‌المعارف بزرگ همچون اقیانوسی ژرف در هر گوشه و کران خود گوهری گران‌سنگ از مفاهیم والای الهی و انسانی نهفته دارد. چنان‌که گفته شده است: «کمتر کتابی در جهان می‌شناسیم که تارهای پیچیده پیوند بشری از عشق و حسد و مهر و کین و آز و نیاز و پیروزی و شکست و غرور و فروتنی و بیداد و داد و خردمندی و دیوانگی در میان افراد جامعه و بین گروه فرمان‌برداران و فرمانروایان چنین دقیق و شاعرانه و زیبا نموده باشد» (رضا، ۱۳۷۴: ۲۷). این اعتقاد خداجویانه آنقدر عمیق در شاهنامه بافته شده و مشاهده می‌شود که «به نظر می‌رسد فردوسی نیز گاهی مانند ویکتور هوگو مست خدا می‌شود» (هانری ماسه، ۱۳۷۵: ۲۸۱). فردوسی هنگامی که از احساسات دینی و نیایش‌گونه شخصیت‌های اثرش سخن می‌گوید، در واقع احساسات سرشار خود را با توصیف می‌کند. هانری ماسه مستشرق غربی وقتی این احساسات نیایش‌گونه را متوجه می‌شود، می‌گوید: «احساسات دینی فردوسی نه تنها در اشعاری که از خود سخن می‌گوید، پدیدار است بلکه در ابراز احساساتی که شاعر به قهرمانان خود نسبت می‌دهد نیز دیده می‌شود. کدام مرد مؤمنی ولو به هر دینی باشد این نیایشی را که فردوسی از دل کیخسرو پادشاه کیانی جاری می‌سازد نیایش خویشتن نمی‌داند» (هانری ماسه، ۱۳۷۵: ۳۸۱).

با این تفاسیر باید گفت که دعا و نیایش از آغاز بشری وجود داشته و در متون حماسی پیش از اسلام در اوستا به صورت درخواست ازخدایان و اهورامزدا بازتاب یافته و پس از اسلام شاهنامه و منظومه‌های حماسی پس از آن به ویژه حماسه‌های دینی تجلی‌گاه این نیاز بشری شده‌اند. در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی نیایش و دعا را در این دو دوره با توجه به متون حماسی بررسی کرده‌ایم تا کاربرد آن را در مفاهیم متفاوت بازگو کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

در ادبیات فارسی دعا و نیایش نقش بسیار چشم‌گیری به ویژه در متون حماسی دارد. در حقیقت یکی از موتیف‌های اساسی و جدایی‌ناپذیر حماسه را راز و نیاز شاعر و شخصیت‌های آن شامل می‌شود، اما متأسفانه چنان‌که شایسته و بایسته است، محققان به آن توجهی نشان نداده‌اند و تحقیق مبسوطی را درباره آن انجام نداده‌اند تا مفاهیم و کاربرد دعا را در آثار حماسی به ویژه حماسه‌های دینی تبیین کند. پژوهش‌های محدودی در این باره وجود دارد که به آن اشاره می‌شود: محرمی (۱۳۸۷) دعا را از نظر عرفانی در مثنوی معنوی بررسی کرده است و اردلانی (۱۳۹۳) مقاله‌ای درباره مطالعه دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی را انجام داده است و نمونه‌های فراوانی را که با موضوع دعا و نیایش هستند را آورده است؛ اما در این مقاله دسته‌بندی صورت نگرفته است.

همچنین فراهانی (۱۳۹۸) جایگاه دعا و نیایش را با تأکید به لیلی و مجنون نظامی گنجوی در فرهنگ ایرانی را بررسی کرده است.

۳. اهمیت تحقیق

نیایش خداوند، یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین آیین بشر و بلکه نیاز روانی انسان‌هاست. متون حماسی از آثاری است که فرهنگ و آیین تاریخ بشری را به نحو احسن بازتاب کرده‌اند و از سوی دیگر نیایش و دعا در فرهنگ ایرانی و ادب پارسی، همراه نخستین متون بر جای مانده ایرانی باستان تا به امروز بوده است. با این‌که دعا و نیایش از زمان پدید آمدن، رکن اساسی ادب حماسی قرار گرفته است، اما از نظر محققان دور مانده و توجه چندانی به آن نشده است. بنابراین، در این پژوهش با در نظر گرفتن متون حماسی مهم به ویژه حماسه‌های دینی مفهوم دعا و نیایش بررسی شده است.

۴. بحث اصلی

۱-۳- مفهوم لغوی دعا

دعا یکی از ارکان وجودی حیات اغلب انسان‌ها است. اعتقاد به تأثیر دعا در تحولات هستی از ایمان و یقین انسان‌ها به وجود نیروی برتر و تصرف اراده او از هستی نشات می‌گیرد. دعا در فرهنگ‌های عمومی لغت از ریشهٔ دعو به معنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است (عمید، ۱۳۶۲: ۱۰۰۴) و همچنین خواندن جمله‌های مأثور از پیامبران و امامان در اوقات معین برای طلب آمرزش و برآورده شدن حاجات، نیایش کردن، درخواست حاجت از خدا، نیایش، مدح، ثنا، تحیت، درود، سلام، تضرع، نفرین. (معین ۱۳۶۰: ۹۰۴) و تفاوتی ندارد که به صورت مصدر باشد یا ماضی یا مضارع و سایر مشتقات آن. کلمات دعا و مشتقاتش حدود بیش از ۲۰۰ بار در قرآن به کار رفته است. واژهٔ دعا در زبان عربی به ضم اول و مد آخر خوانده می‌شود که مصدر است و جمع آن ادعیه می‌باشد. دعا آن است که کسی را با صدا و کلام خود متوجه کنی (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۷۹).

۲-۳- مفهوم دعا در آموزه‌های دینی

دعا کردن یکی از بهترین اعمالی است که در قرآن کریم بسیار به آن توجه شده است: در قرآن آمده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (مؤمن، ۶۰)؛ «و گفت پروردگارتان بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» و رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ» «دعا مغز عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۰-۳۳۰). محققان دینی نیز این نیاز درونی را از جنبه‌های متفاوت بررسی کرده‌اند؛ از جمله؛ علامه طباطبایی معتقد است: «دعا آن است که از قلب برخیزد و زبان فطرت آن را طلب کند نه این که زبان هر طور خواست حرکت کند، بدان معنا که انسان چنین حقیقتی را در باطن جان خود می‌شناسد و به طور روشن آن را می‌فهمد» (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۲-۳۳) و در اصطلاح دعا یعنی این که بنده دست نیاز و استمداد و التماس خود را به درگاه الهی بگشاید و از



فضل و رحمت نامتناهی حضرت باری تعالی مراد و مطلوب خویش را درخواست نماید. در اصطلاح فرهنگ و علوم اسلامی «دعا، خواندن خدا و خواستن از اوست، اما نه هرگونه خواندن، بلکه خواندنی که با صدق و اخلاص اصرار و الحاح و عجز و التماس توأم باشد. خواندنی که نشانگر نیاز انسان و یا ترس از محیط، ستم ستمگران و فشارهای روحی زندگی است. بنابراین، بسیاری از اوقات، قطرات اشک دعاکننده، گواه صادقی بر دل‌دادگی، عشق و پرستش و نیازمندی‌اش به درگاه خداوند است» (امیدی فرد، ۱۳۷۸: ۱۸). انسان به سبب نیازی که به خداوند بخشنده بی‌نیاز دارد، دعا از راه‌های آرامش و گشایش کارهای وی است. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱)؛ «ای مردم شما (همگی) نیازمند خدایید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است». بنابراین، «این احساس فقر در خویشتن و درک غنا و بی‌نیازی خالق جهان، چهره‌ناپیدای حقیقت دعاست که از نخستین روز حیات در اعماق وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است. دعا همواره دو طرف داشته خدا و بنده. لذا، جای شگفتی نیست اگر مشاهده می‌کنیم که همه انسان‌ها، در هنگام سختی دست نیاز به سوی خالق خویش می‌گشاید» (امیدی فرد، ۱۳۸۷: ۱۹). انسان به وسیله دعا صیقل روحش صیقل می‌یابد و گناهانش کم می‌شود و به عبارت دیگر، به تکامل روح می‌رسد. قرآن فرموده است:

«وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ» (زمر، ۸) «و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت‌کننده است، می‌خواند». امام علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه به ماهیت دعا پرداخته و می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفُلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيَكَ وَ تَسْتَرْجِمَهُ لِيَرْحَمَكَ» (نامه ۳۱)؛ «فرزندم، بدان آن- کس که گنج‌های آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه دعا و درخواست را داده و اجابت آن را تضمین نموده است، به تو امر کرده که از او بخواهی تا عطایت کند و از او درخواست رحمت کنی تا رحمتش را شامل حال تو گرداند».

به طور کلی باید گفت که دعا در کلام معصومین و کاملان دین بسیار ارج نهاده شده و آن را با اوصاف و تعبیری گوناگون نظیر «مغز عبادت»، «سلاح مؤمن» و «ستون دین»، «نور آسمان‌ها و زمین»، «کلید نجات» و غیره بیان کرده‌اند. در بیان ملاحسین کاشفی دعا، مفتاح مرادات است و دعا سبب برآمدن حاجات، پس سالک باید که علی‌الدوام طریق نیازمندی مرعی دارد و احتیاج ذاتی خود بر حضرت غنی حقیقی عرض نماید و در همه حوادث و حوائج رجوع بدان درگاه نماید (زمانی، کریم، ۱۳۷۹: ۶۷/۱)

۳-۳- دعا در منابع پیش از اسلام

دعا و نیایش منحصر به پس از اسلام نیست و پیش از اسلام نیایش خداوند جایگاه ویژه‌ای در متون باستان داشته است. اوستا، نخستین یادگار ادبی از دوره ایرانی باستان، نخستین اثری دینی است و



جای جای آن آمیخته به ذکر خداوند و نیایش و یاری طلبی از آستان پرودگار است. گات‌ها، یسنا و یشت‌ها، سروده‌هایی در اصل، منظوم و موزون بوده‌اند که به نیایش و تحمید خداوند آراسته شده‌اند. اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است که ریشه بسیاری از حماسه‌های ایرانی در آن یافت می‌باشد. زرتشت در آغاز پیامبری، دین خود را به گشتاسب‌شاه ایران عرضه کرد و همین امر ارجاسب‌شاه تورانیان را بر علیه ایران برانگیخت. سرانجام جنگ‌های دینی رخ داد و پهلوانان دینی در برابر دشمنان زرتشت قرار گرفتند. دعا و نیایش از بخش‌های شیرین و حماسی این جنگ‌ها است که در اوستا باقی مانده است. از همه مهم‌تر این است که دعا برای پهلوانان خردمند و نیک اجابت می‌شد و پهلوان به آرزوی خود می‌رسیدند. نمونه‌هایی از نیایش‌ها در زیر آمده است. «مرا این کامیابی ارزانی دار که من در کارزار جهان بر «تثرویاونت» دژدین و پشن دیوپرست و ارجاسب دروند پیروز شوم» (آبان یشت: ۱۰۸ و ۱۰۹) و دیگر: «مرا این کامیابی ارزانی دار که با ارجاسب خیون گناهکار بجنگم و بر او پیروز شوم که با درشینیک دیوپرست بجنگم و بر او پیروز شوم» (آبان یشت: ۳۰/۹).

در اوستا درباره پایان کار گشتاسب با توجه به نیایش بالا و نیز در (آبان یشت: ۱۱۸-۱۱۶) آمده که وی در نبرد با ارجاسب و وندیشمن پیروز میدان است زیرا در ادامه همین نیایش آمده است که درواسب آرزوی گشتاسب را برآورده می‌کند و در مقابل وندیشمن را ناکام می‌گذارد. همچنین، موفق می‌شود که «تثرویاونت» دژدین و «اوروشک» دیو را براندازد و «همای» و «واریدکنا» را از سرزمین خیون‌ها به خانمان برگرداند (گوش یشت: ۲۹-۳۲). نمونه‌های دیگر از دعا و نیایش شخصیت‌های اساطیری در اوستا به شرح زیر است: نیایش جمشید در نبرد با دیوان و جادوان و کوی و کرپ چنین است: «مرا کامیابی ارزانی دار که من بزرگ‌ترین شهریار همه کشورها شوم که بر همه دیوان و مردمان دروند و جادوان و پریان و کوی‌ها و کرپ‌های ستمکار چیرگی یابم» (همان: ۲۵ و ۲۶). هوشنگ در دشمنی با دیوان و جادوان و کوی و کرپ چنین دعا کرده است: «مرا کامیابی ارزانی دار که من بزرگ‌ترین شهریار همه کشورها شوم که بر همه دیوان و مردمان دروند و جادوان و پریان و «کوی‌ها» و «کرپ‌های ستمکار چیرگی یابم که دو سوم از دیوان مزندری و دروندان ورن را بر زمین افکنم» (همان: ۲۱ و ۲۲). کاووس در نبرد با دیوان و جادوان و کوی و کرپ از اهورامزدا خواسته است: «مرا این کامیابی ارزانی دار که من بزرگ‌ترین شهریار همه کشورها شوم و بر همه دیوان و جادوان و پریان و کوی و کرپ‌های ستمکار چیرگی یابم» (همان: ۴۵ و ۴۶). «مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر گشتاسب دلیر و بر زیر سوار جنگاور پیروز شوم که من سرزمین‌های ایرانی را براندازم، اردویسور او را کامیابی نبخشید» (آبان یشت: ۱۱۶ و ۱۱۷).



۳-۳- دعا و نیایش در متون حماسی پس از اسلام

متون حماسی پس از اسلام به ویژه شاهنامه و حماسه‌های دینی از جمله علی‌نامه سروده ربیع، حمله حیدری از باذل مشهدی و حمله حیدری سروده ملا بمانعلی راجی کرمانی و خداوندنامه صبای کاشانی با ظرافت و زیبایی با سپاس و ستایش شاعرانه و عارفانه آمیخته است و به جرأت می‌توان گفت از جذابیت‌های شعر حماسی نیایش‌های شاعرانه و پهلوانی است. در میان کلام و کنش‌های قهرمانان دعا آرامشگاهی است که با بیان لطیفی در میان لحن ضخیم حماسی دید که می‌توان در چند بخش زیر بررسی کرد.

۱-۳-۳- نیایش‌های سرآغاز

متون حماسی بزرگ اغلب با نام و ستایش خدا آغاز می‌شوند و با خدا هم پایان می‌یابد. حماسه‌سرایی در آغاز کتاب و گاه داستان بر خود بایسته می‌دانسته در آغاز داستان به نیایش بپردازد و آفریدگار را بستاید و با او راز گوید. شاعران در این بخش گاه به طور مفصل به حمد و نیایش پروردگار پرداخته‌اند و صفات خدا را برشمارده‌اند و ابراز و ضعف و گناه کرده‌اند. نمونه آن در شاهنامه:

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اند یشه برنگذرد
خداند نام و خداوند جای	خداوند روزی ده رهنمای
خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده برشده پیکر است

(فردوسی ۱/۱/۴-۴)

فردوسی در نیایش آغازین خود به صفت بارز خداوند بالاتر از وهم و گمان بودن، خالق، رزاقی و مصوری وی اشاره کرده که در دعای جوشن کبیر از آنها نام برده شده است. نمونه آن در حمله حیدری:

به نام خداوند دانای فرد	که از خاک آدم پدیدار کرد
ز صلصال ناچیز آدم کند	ببزم قبـولش مکرم کند
یکی گوهر تابناک آورد	که از نور او آب و خاک آورد

(راجی کرمانی، بی‌تا: ۴)

راجی کرمانی به یکتایی و خالق بودن خداوند اقرار کرده و هم‌چنین، به پدید آمدن گوهر وجودی حضرت محمد (ص) اشاره کرده است. جابر از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمود: خداوند متعال، چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم، چهارده نور از نور عظمتش را خلق فرمود. پس، آن چهارده نور ارواح ما بود. جابر می‌گوید: از امام درباره اسماء آن چهارده نور سؤال کردم، ایشان

فرمود: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) و نه تن از فرزندان حسین (ع) که نهیمی آنان قائم ایشان است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴/۲۵). نمونه دیگر در از باذل مشهدی:

به نام خداوند بسیاربخش خردبخش و دین بخش و دیناربخش
همه کار دنیا و دین کردگار ازین هر سه نعمت نمود آشکار

(باذل مشهدی، بی تا: ۱)

بخشنده‌گی خداوند در این ابیات با بخشیدن دین اسلام و عقل تأکید شده است. در نهج‌البلاغه نیز حضرت علی به آن اشاره کرده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ، فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَافَهُ وَ سَلَامًا لِمَنْ دَخَلَهُ وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ وَ شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ عَنْهُ وَ نُورًا لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِهِ وَ فَهْمًا لِمَنْ عَقَلَ وَ لُبًّا لِمَنْ تَدَبَّرَ وَ آيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَ وَ تَبَصَّرَهُ لِمَنْ عَزَمَ وَ عِبْرَةً لِمَنْ اتَّعَطَّ وَ نَجَاةً لِمَنْ صَدَّقَ وَ ثَقَّةً لِمَنْ تَوَكَّلَ وَ رَاحَةً لِمَنْ فَوَّضَ وَ جَنَّةً لِمَنْ صَبَرَ. فَهُوَ أَلْبَجُ الْمَنَاهِجِ وَ أَوْضَحُ الْوَلَلِجِ، مُشْرِفُ الْمَنَارِ، مُشْرِقُ الْجَوَادِ، مُضِيءُ الْمَصَابِيحِ، كَرِيمُ الْمِضْمَارِ، رَفِيعُ الْغَايَةِ، جَامِعُ الْحَلَبَةِ، مُتَنَافِسُ السَّبْقَةِ، شَرِيفُ الْفُرْسَانِ، التَّصَدِيقُ مِنْهَاجُهُ وَ الصَّالِحَاتُ مَنَارُهُ وَ الْمَوْتُ غَايَتُهُ وَ الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ وَ الْقِيَامَةُ حَلَبَتُهُ وَ الْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ» (خطبه، ۱۰۶)؛ «ستایش باد خداوندی را که اسلام را آشکار ساخت و برای تشنگان آن راه ورود به آبشخورش را آسان گردانید و اراکانش را استواری بخشید تا کسی را یارای چیرگی بر آن نباشد و آن را امان قرار داد برای کسی که چنگ در آن زند و نشان صلح و آرامش برای کسی که بدان داخل شود. اسلام برهان است، برای کسی که بدان سخن گوید و گواه است برای کسی که بدان دادخواهی کند و روشنایی است برای کسی که از آن روشنی طلبد و فهم است برای کسی که در آن تعقل کند و خرد است برای کسی که در آن تدبّر جوید و نشانه است برای کسی که در پی نشانه باشد و بینایی است برای کسی که عزیمت کارها کند و عبرت است برای کسی که پند گیرد و رهایی است برای کسی که تصدیقش کند و اعتماد است برای کسی که توکل کند و راحت است برای کسی که کارش را به خدایش واگذارد و سپر است برای کسی که شکیبایی ورزد. اسلام روشن‌ترین راه‌هاست و واضح‌ترین مذهب‌ها است. مرتفع است نشانه‌های او، تابناک است طریق او و تابان است چراغهای او. سبقت در میدان مسابقه- اش ارجمند است و پایان مسابقه‌اش والا است. گردآورنده شهسواران است که برای ربودن جایزه بر یکدیگر پیشی گیرند. سوارکارانش بس ارجمندند. تصدیق آوردن، راه روشن اوست و اعمال نیک و پسندیده علامت اوست. مرگ پایان مدت و دنیا جای مسابقت و مکان دوانیدن اسب‌های آن قیامت است و بهشت جایزه کسی است که در مسابقت پیش افتد».

به طور کلی این بخش از دعا و نیایش یعنی نیایش‌های آغازین شعر در اشعار حماسی زیباترین اقرار توحیدگویانه است که شاعر قدرت و بخشایش خدا و از سوی دیگر ضعف به دیگران را در مقابل آن بیان می‌کند.

۲-۳-۳- دعای نیک و بد

از جنبه‌های دیگر دعا در متون حماسی دعای نیک و یا بد برای یکدیگر است. انسان به طور طبیعی نسبت به کارهای نیک و چیزهای محبوب، واکنش مثبت نشان می‌دهد و دعای نیک و خیر، سرور و خوشحالی خویش را هویدا می‌سازند و با دیدن بدی‌ها احساس ناهموار خود را نشان می‌دهند و با نفرین ابراز انزجار و تنفر می‌کنند. این مورد دعا در قرآن هم به کار برده شده است. در مورد کافران قرآن فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ جَمِيعِينَ»؛ «کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آن‌ها خواهد بود» (بقره، ۱۶۱). در شاهنامه، فرانک پس از آگاهی از پیروزی و پادشاهی فریدون، خداوند را به خاطر پیروزی فرزندش شکرگزاری می‌کند و نیایش کنان ضحاک را نفرین می‌فرستد.

نیایش کنان سر و تن را بشست
به پیش جهانداور آمد نخست
نهاد آن سرش پست بر خاک بر
همی خواند نفرین به ضحاک بر
(فردوسی، ۱۳۷۷: ۸۰/۱)

ابن حسام درباره رضایت مردم از شاه و دعای نیک آنان برای او سخن می‌گوید:
چو شاه جهان بر جهان داد کرد
جهان را بداد خود آباد کرد
رعیت برآرند دست دعا
بآیین در آینه اهل سما
(ابن حسام، بی‌تا: ۲۲۸ س ۲۲)
همچنین، وی در قالب پند و اندرز مخاطب خودش را از نفرین یا همان دعای بد ستم‌دیدگان آگاه می‌کند:

میزار دل‌های غم دیدگان
بترس از دعای ستم‌دیدگان
ز فریاد فریادخواهان بترس
ز آه دل دادخواهان بترس
(همان، بی‌تا: ۲۲۹ / ۴-۱)

در علی‌نامه به طور کلی گفته شده است:
بود یار نیکان خدای جهان
به دوزخ بود بدکنش جاودان
(ربیع: ۱۳۸۸: ۱۰۷۹۱-۱۰۷۹۳)

۳-۳-۳- راز و نیاز

در صحیفه سجاده که منبع عظیمی از نیایش است، به فقر مطلق انسان و نیازمندی همه‌جانبه‌اش و همچنین، به غنای مطلق و بی‌نیازی حضرت آگاه می‌سازد تا انسان از رذایل نجات پیدا کرده و به تمام حسنات آراسته شود: «تَمَدَّحْتَ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ»؛ «وجودت را به بی‌نیازی از همه آفریده‌ها ستوده‌ای و حضرتت به بی‌نیازی از آن‌ها شایسته است» (فراز ۱۱ از دعای

۱۳) شاعران با ایمان قلبی که داشتند احساس نیازمندی خود را در قالب شخصیت‌ها ریخته و بیان می‌داشتند. در متون حماسی دعا و طلب یاری پهلوانان از درگاه خدا به ویژه در جنگ دیده می‌شود. رستم در اولین جنگ با اسفندیار وقتی عجز خود را می‌بیند، به بالای کوه فرار کرده و با تن مجروح دعا می‌کند تا وی را از شر حادثه دور گرداند:

همی گفت کای داور کردگار بگردان تو از ما بد روزگار
بر این گونه تا خور برآمد زکوه نیامد زبانش زگفتن ستوه

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۶/ ۲۷۷)

هم‌چنین، رستم هنگام شکست از اسفندیار در جنگ اول، به مناجات با خداوند می‌نشیند و از او یاری می‌طلبد:

همی گفت کای داور داد و پاک گر از خستگی‌ها شوم من هلاک
که خواهد ز گردن کشان کین من که گیرد دل و راه و آیین من

(همان، ۶/ ۲۸۹)

این موضوع در خاوران‌نامه به عنوان یک اثر دینی و اعتقادی بسیار پررنگ است و یکی از ارکان بسیار مهم در این اثر به شمار می‌آید. پهلوانان در این اثر هرگاه به دشواری می‌افتادند، به خداوند روی می‌آوردند و از آستان او طلب یاری داشتند. در واقع پهلوانان نیروی پهلوانی را به سبب توجه به حضور الهی دریافت می‌کردند. مناجات شاعر از بارزترین نمونه‌هاست که نشان از باطن دینی و اعتقاد قوی شاعر است:

الهی مرا محرم راز کن در معرفت بر دلم باز کن
دلی ده که باشد شناسای تو زبانی که بستاند آلالی تو

(ابن حسام، بی‌تا: ۱۸/۶)

نمونه‌هایی از راز و نیاز پهلوانان برای دریافت نیروی الهی در برابر هم‌آورد است:

سرانجام مالک برآورد سر چنین گفت کای داور دادگر
بهرکار دانا و بینا تویی تو دانسی که بر ماتوانا تویی
تنومندیم ده چو دادی تنم چو از خاک برداشتی مفکنم

(همان: ۱۲۷/ ۱ و ۲)

نمونه دیگر از دعای پهلوان برای دریافت توانایی:

سپهید سوی آسمان کرد سر بنالید با داور دادگر
تو دانای و هوش دادی بگرد توانای و توش دادی بمرد
به فریاد فریادخواهان برس که فریاد بیچاره نشنود کس

(همان: ۱۳/۹۸-۱۴)



همچنین، در بیت زیر پهلوان تنومندی خود را از خداوند می‌طلبد:

بتوفیق خود ده تنومندیم بیباغ هنر ده برومندیم
برزم دلیبران دلیریم ده بسرپنجه بازوی شیریم ده

(همان: ۲۰/ ۱۶ و ۱۷)

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که انسان هرچقدر هم قدرتمند و بی‌نیاز باشد در مقابل خداوند ضعیف و ناتوان است و جز با یاری او نمی‌تواند به هدف برسد.

۴-۳-۳- دعای پوزش طلبیدن

پوزش طلبیدن و توبه به آستان خداوند از مفاهیم دیگر دعا و نیایش است. اگر انسان توبه کند و از اعمال بد گذشته به درگاه خداوند یکتا پوزش بطلبد، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد. امام سجاد (علیه‌السلام) در نیایش خود با پروردگار این‌گونه عذرخواهی می‌کنند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ»؛ «بار خدایا به پیشگاهت عذر خواهم در حق ستم‌دیده‌ای که در حضور من بر او ستم رفته است» (صحیفه سجاده: نیایش ۳۸). همچنین، در فراز شصت و هفتم از دعای جوشن کبیر آمده است: «یا من یقبل التوبه عن عباده»: «ای آن‌که توبه را از بندگان پذیرد» (قمی، ۱۳۸۸: دعای جوشن کبیر، فراز ۶۷). فردوسی نیز نیایش‌های شیرین توبه را در قالب شخصیت‌ها ریخته و هنگامی که کیکاووس پس از نجات در بیشه «شیرچین»، از خداوند، طلب آمرزش می‌کند:

پشیمان شد و درد بگزید و رنج نهاده ببخشید بسیار گنج
نیایش کنان پیش یزدان پاک همی رخ بمالید بر تیره خاک
چو بگذشت یک چند گریان چنین ببخشود بر وی جهان آفرین
(فردوسی، ۱۳۷۷: ۲: ۱۵۵)

سپهدار و گردنکشان آن زمان گرفتند زاری سوی آسمان
که ای برتر از دانش و هوش و رای نه در جای و برجای و نه زیر جای
همه بنده پر گناه توایم به بیچارگی دادخواه توایم
ز افسون و از جادوی برتری جهاندار و بر داوران داوری
تو باشی به بیچارگی دستگیر توانا تر از آتش و زمهریر
از این برف و سرما تو فریاد رس نداریم فریادرس جز تو کس
(همان: ۴/ ۱۳۸/ ۳۶۰)

بود یار نیکان خدای جهان به دوزخ بود بدکنش جاودان
(ربیع، ۱۳۸۸: ۱۰۷۹۱-۱۰۷۹۳)



۵-۳-۳- دعای سلام و خدا حافظی

گاهی دعا را به هنگام سلام و گاهی به هنگام خدا حافظی دوستان می‌گفتند. این بخش از دعا شامل آفرین و آرزوی حفظ و سلامتی برای شخص است. نیایش هنگام سلام و خدا حافظی حتی در آیین و رفتارهای عام نیز وجود دارد. در متون حماسی این نیایش پررنگ‌تر و مفصل‌تر دیده می‌شود. برای نمونه:

سپر دم تو را ای جهاندار من	به یزدان همی گفت ز بهار من
بپرداز گیتی ز نابخردان	بگردان ز جانش بد جادوان

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۶۵/۱)

بر آن شهریار یمن خاص و عام	بکردند هر یک دعا و سلام
----------------------------	-------------------------

(ربیع، ۱۳۸۸: ۶۸۶)

دعا کردشان و به یزدان سپرد	علی شان نوازید و در شهر برد
----------------------------	-----------------------------

(همان: ۹۵۷)

۶-۳-۳- دعای سپاسگزاری

سپاسگزاری از خداوند روح دعا و نیایش را در بر می‌گیرد. در حقیقت «پرستش نوعی رابطه خاضعانه، ستایشگرانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می‌کند» (مطهری، ۸۲: ۱۳۶۲) در قرآن کریم آمده است: «سَبِّحْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»؛ «آسمان و زمین و هر چه در آن است به ستایش، مشغولند و موجودی در عالم نیست مگر آن که به تسبیح و ستایش خداوند مشغول است. لکن شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید». در شاهنامه، گیو به درگاه خداوند برای داشتن فرزندی نیکی‌شناس، شکر می‌کند:

تو دادی مرا پور نیکی شناس	به دادار گفت از تو دارم سپاس
---------------------------	------------------------------

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۵)

هم‌چنین، در متون حماسی بسیار دیده شده است که دعا و نیایش به قصد سپاسگزاری از نعمت‌های آفریننده صورت می‌گیرد:

سپاس از خداوند پیروز گر	که از دانش او کردمان بهره ور
پس از شکر دانش دل دانشی	نزید که جوید دگر رامشی

(ربیع، ۱۳۸۸: ۱۰۰۹۷)



۷-۳-۳- یاری جستن

گاهی نیایش برای فریادخواهی و به داد طلبیدن خداوند به کار می‌رود. قرآن می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ...» (انعام، ۴۰)؛ «بگو اگر راست می‌گویید، به من خبر دهید اگر عذاب خدا به شما رو آورد و یا قیامت شما را درگیرد آیا غیر از خدا کسی را به فریادرسی خود می‌خوانید؟ بلکه تنها او را به فریادرسی می‌خوانید».

در همین رابطه گفته شده است: «هدف دعا، یاری جستن از خداوند قادر مطلق در ناتوانایی‌ها برای کارهایی است که انسان در جهت کمال و یا برای زندگی باید انجام دهد. به بیان دیگر هدف دعا، وصل و انضمام فقیر محض به غنی مطلق برای معنی یافتن «بودن» فقیر است» (سلمانی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۰). نمونه‌ای از دعا برای یاری طلبیدن از خداوند در شاهنامه:

چنین گفت کای برتر از جان پاک	برآرنده آتش و باد و خاک
نگهدار و چندی خرد ده مرا	هم اندیشه نیک و بد ده مرا
تو را تا بباشم نیایش کنم	بر این نیکوی‌ها فرایش کنم
بیامرز کرده گناه مرا	ز کژی بکش دستگاه مرا
بگردان ز جانم بد روزگار	همان چاره دیو آموزگار
چو بر من بپوشد در راستی	به نیرو شود کژی و کاستی
بگردان ز من دیو را دستگاه	بدان تا ندارد روانم تباه
روانم بدان جای نیکان رسان	نگه دار بر من تو این راه و سان

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۳۸۱/۵-۲۴۵۷)

هم‌چنین، در بیت زیر دعای فریادخواهی و به یاری طلبیدن مشاهده می‌شود:

که ای برتر از گردش روزگار	جهاندار و بینا و پروردگار
گر این گردش جنگ من داد نیست	روانم بدان گیتی آباد نیست
روا دارم از دست پولادونگ	روان مرا برگشاید ز بند
ور افراسیاب است بی‌داد گر	تو مستان ز من دست و زور و هنر
که گر من شوم کشته دست اوی	به ایران نماند یکی جنگجوی

(همان: ۲۹۱/۴-۱۲۷۰)

ابیات قابل ملاحظه‌ای از شاهنامه به نیایش که بیانگر جنبه‌ای معنوی و آسمانی است؛ به طور کلی حدود ۶۰۰ بیت در شاهنامه درباره نیایش دعا وجود دارد (کشاورز، ۱۳۸۱: ۴۰).



۸-۳-۳- توسل و توکل

دعا و مناجات، نوعی توسل عاشقانه به خداوند و تکیه کردن موجودی ضعیف و ناتوان به بزرگی تواناست.

در متون حماسی نیز پهلوان که همچون ضعیفی بینوا است، هنگام دعا دست نیاز به درگاه کریم بی نیاز دراز می‌کند؛ به حقیقت وجودی خویش نزدیک می‌شود. زیرا «دعا و نیایش تجلی روحی است که از نیازهای مادی نیازی برتر دارد و هدفش رسیدن به اوج است» (رنجبر، ۱۳۶۹: ۳۷۱). انسان زمانی که خود را تهی دست و بینوا، رانده و از همه جا مانده، حقیر و فقیر، خوار و زبون و بیچاره و بی‌پناه دید، اکنون حقیقت هستی او که پرتوی از هستی مطلق خداوند است، هویدا می‌گردد و با احساس بستگی و پیوند با حق و نیازمندی به او، حال و شوری وصفناشدنی از زبان او جاری می‌شود:

که ای مهربان خدای بزرگ	به بی یار بی یار بزرگ
چه گویم بهر درد دانا تویی	چه خواهم بدرمان توانا تویی

(صبای کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۵۸۰-۱۵۸۱)

هنگامی که دعا و توسل به خدا با ناله همراه باشد، این تکامل به اوج می‌رسد:

ستایش کنان با خداوند پاک	بنالید نلیدنی دردناک
--------------------------	----------------------

(ربیع، ۱۳۸۸: ۲۲۶۷)

۵. دعا در ماجراهای مشهور دینی

در حماسه‌های دینی به برخی دعاها برخورد می‌کنیم که در تاریخ دینی مسلمانان مشهور است در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۵- دعای حاجت

در متون حماسی دینی به برخی از نیایش‌های حضرت علی اشاره شده است که حاجتی از خداوند خواسته و خداوند با دعای حضرت آن را برآورده می‌کند. برای نمونه در بیست و پنجم ذی‌الحجه امام حسن و حسین (ع) بیمار شدند و حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) برای بهبود بیماری حسنین سه روز، روزه گرفتند و از قضا هر سه افطاری آن را به نیازمندان بخشیدند. در زیر نیایش حضرت فاطمه (س) آورده شده است:

بنالید در نزد یزدان پاک	بمالید روی مبارک به خاک
بگفت ای کریم اله صمد	بحق محمد که نزدت بود
فزون از حقوق همه انبیا	حسین و حسن را شفا کن عطا
در آن وقت آن نذر را کرد نیز	که صحت چه بخشد حکیم عزیز
بآن دو چگر گوشه دلفروز	پی شکر آن روزه گیرد سه روز



در آن نذر گشتند یا او رفیق
همه اهل او از عید و عتیق
دعایش بعز اجابت رسید
بایشان شفا داد رب مجید

(بازل مشهدی، بی تا: ۲۱۹)

۲-۵- حدیث کسا

حدیث کسا نیز از دعاهایی است که به خواندن آن سفارش شده است. رسول خدا (ص) با امام علی (ع) و حضرت فاطمه الزهرا (س) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در سفره فاطمه (س) نشستند و پیامبر (ص) کسای خیبری (عبایی از بافته‌های مردم منطقه خیبر) را بر سر داماد و دختر و فرزندان کشید و با دست راست به آسمان اشاره کرده، فرمود: «خدا یا! اینان اهل بیت من هستند. پس هرگونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان!» آن‌گاه جبرئیل امین، نازل شد و آیه تطهیر را خواند: «إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «در حمله حیدری به این حدیث و دعای پیامبر این‌گونه بیان شده است.

دگر باره آن روز آن پنج تن
به یکجا در آنجا شدند انجمن
پیمر چو بر سوی ایشان بدید
به سوی جهان آفرین بنگرید
که او را به ایشان گرامی نمود
پس آنگاه اولاد خود را ستود

(راجی کرمانی، بی تا: ۳۸۳)

۶. نتیجه

در بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که رابطه انسان با خدا از آغاز تاریخ بشری وجود داشته است و در خواست‌های آنان از خدا در قدیمی‌ترین متون کهن تاکنون بازتاب یافته است. این عاطفه درونی در متون حماسی که از طرفی نمایانگر فرهنگ و زندگی انسان است و از سوی دیگر نمودار آرزوهای شکست و پیروزی بود، بیشتر قابل دریافت است. در متون حماسی گذشته از جمله اوستا که ریشه بسیاری از حماسه‌های ایرانی در آن است، نیایش و دعا بیشتر به صورت درخواست از اهورامزدا و خدایان دیده می‌شود که این درخواست برای انسان‌های نیک برآورده می‌شد. در متون حماسی پس از اسلام از جمله شاهنامه و منظومه‌های حماسی دینی، دعا و نیایش به شیوایی و دل‌نشینی بیان شده است. این عاطفه درونی در مفاهیم متعددی از جمله، نیایش، سرآغاز، فریادخواهی و به داد طلبیدن، سپاس‌گزاری، دعای سلام و خداحافظی، پوزش و عذرخواهی و غیره آمده است. این مفاهیم نشان می‌دهند که شاعر احساسات سرشار نیایش‌گونه خود را در قالب شخصیت‌ها ریخته و بیان کرده است. از سوی دیگر آشکار می‌سازد که قدرت نامرئی خداوند در کارهای آدمی در عمق باطن بشر آغازین تا کنون وجود داشته و پهلوانان با وجود قدرت خارق‌العاده

خود، نیروی الهی را بالای سر خود احساس می‌کردند و پیروزی خود را متصل به خدا می‌دانستند. هم‌چنین، منظومه حماسی - دینی به دعا‌های مشهور از جمله حدیث کسا، دعای نذر حاجت حضرت فاطمه الزهرا (س) نیز اشاره کرده‌اند که در خور تأمل است.

منابع

- ابن حسام، خوسفی. (۱۳۶۶). *دیوان اشعار*. تصحیح احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: انتشارات سازمان حج و اوقاف خراسان.
- اردلانی، شمس الحاجیه. (۱۳۹۳). مطالعه دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی. *فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنائی زبان و ادب فارسی*، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- امام سجاد (ع). (۱۳۸۸). *صحیفه سجاده*. ترجمه محسن غرویان و عبد الجواد ابراهیمی، قم: انتشارات دلیل ما.
- امام علی (ع). (۱۳۹۱). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: امیرالمومنین (ع).
- امیدی فرد عبدالله. (۱۳۷۸). *نقش دعا در زندگی اجتماعی*. انتشارات: میثم تمار.
- باذل مشهیدی، میرزا محمد رفیع بن محمد. (بی تا). *حملة حیدری*، مشتمل بر معجزات و توصیف از رشادت و شجاعت و عظمت و منقبت و جنگ‌های تاریخی و غزوات مولای نقتیان علی ابن ابی طالب (ع). کتاب‌فروشی اسلام.
- بی‌نام. (۱۳۹۲). *اوستا (کهن‌ترین سرود ایرانیان)*. به کوشش جلیل دوست‌خواه، تهران: مروارید.
- راجی کرمانی، ملا بمانعلی. (بی تا). *حملة حیدری*، مشتمل بر توصیف شجاعت و رشادت و از خودگذشتگی حضرت علی بن ابیطالب (ع)، تهران: اسلامیه.
- ربیع. (۱۳۸۸). *علی‌نامه، منظومه‌های کهن، ترجمه ابوالفضل غلامی و رضا بیات*. تهران: میراث مکتوب.
- رضا، فضل الله. (۱۳۷۴). *پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی*. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- رنجب، احمد. (۱۳۶۹). *جاذبه فکری فردوسی*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- زمانی، کریم. (۱۳۷۹). *شرح جامع مثنوی معنوی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- سلمانپور، محمدجواد. (۱۳۸۴). *فرهنگ‌سازی امام سجاد با زبان دعا*. فصلنامه اندیشه دینی. شماره ۱۷.
- شمسیا، سیروس. (۱۳۷۳). *انواع ادبی*. تهران: انتشارات فردوسی.
- صبا، فتحعلی‌خان. (۱۳۸۹). *خداوندنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تصحیح صدیقه جابری اربابی، استاد راهنما خیرالله محمود و استاد مشاور زیبا فلاوندی. مرکز آموزش عالی سلمان فارسی کازرون.
- صبا، فتحعلی‌خان. (۱۳۹۴). *خداوندنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تصحیح ملیحه مهرآیین نزدیک. استاد راهنما؛ زیبا فلاوندی و استاد مشاور؛ خیرالله محمود. مرکز آموزش عالی سلمان فارسی کازرون.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. تهران: نشر فرهنگی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۲). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فارس ابوالحسن احمد ابن. (۱۳۹۹ق). *معجم المقاییس الغه*. بیروت: دارالفکر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.



- قمی، عباس. (۱۳۸۸). *کلیات مفاتیح الجنان*. ترجمه سید محمد حسین سجاده. انتشارات ثامن الائمه (علیه السلام).
- کشاورز، فتح الله. (۱۳۸۱). *ادبیات حماسی*. تهران: انتشارات آن.
- ماسه، هانری. (۱۳۷۵). *فردوسی و حماسه‌ی ملی*. ترجمه مهدی روشن ضمیر. چاپ دوم. تبریز: انتشارات دانشگاه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار/الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، انتشارات اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- نوربها، نجف آبادی، حسنعلی. (۱۳۷۲). *پرورش در پرتو نیایش*. قم: نشر تفکر